



مزیت استراتژیک ایران؛ توسعه میادین مشترک

علیرضا منتهایی^۱ ■ شرکت مهندسی و توسعه نفت

مقدمه

کشور ایران دارای دومین منابع عظیم نفتی و گازی جهان است. در واقع ۱۰ درصد از ذخایر نفتی و ۱۸ درصد از ذخایر گاز طبیعی دنیا در این سرزمین قرار دارد. در این بین، حجم زیادی از مخازن نفت و گاز کشور در مرز سیاسی با کشورهای همسایه واقع است. این مخازن از لحاظ زمین‌شناسی، یکپارچه و از لحاظ مالکیت، مشترک هستند. تلاش گسترده کشورهای همسایه برای برداشت هر چه سریع‌تر از این ذخایر، سبب شده است که برنامه‌ریزی برای توسعه مخازن یاد شده جایگاه استراتژیک پیدا کند. در این راستا، وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران با تشکیل کمیته ویژه نظارت بر میادین مشترک نفت و گاز، طرح توسعه میادین مشترک نفت و گاز را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده است. تدوین مقررات و شرایط ویژه برای توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک، تشکیل کمیته‌های فرعی در حوزه‌های فنی، حقوقی، سرمایه‌گذاری و جذب منابع، بررسی قراردادهای موجود توسعه میادین و پی‌گیری پیشرفت طبق برنامه، تعیین حدود میادینی که تمدید حدود آنها به اتمام نرسیده است، تخصیص بهینه منابع مالی با اولویت میادین مشترک

به ویژه میدان گازی پارس جنوبی، ارتقای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از میادین مشترک در راستای برداشت حداکثری و ایجاد سیستم منسجم و یکپارچه کنترل پروژه این میادین از مهم‌ترین اهداف این کمیته است. مهم‌ترین مأموریت وزارت نفت طی برنامه پنجم توسعه و اصلی‌ترین فلسفه تشکیل کمیته ویژه نظارت بر میادین مشترک نفت و گاز، افزایش نرخ تخلیه و تحقق تولید حداکثری در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای تمامی میادین مشترک است و این امر محقق نمی‌گردد مگر با همکاری تمامی ارکان داخلی وزارت نفت و ارتباط تنگاتنگ و تعامل سازنده با مراجع ذی‌صلاح خارج از مجموعه وزارت نفت، شامل وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی، سازمان محیط زیست و نهادهای تأمین‌کننده منابع مالی مانند بانک‌ها. سیاست خارجی نیز باید در این زمینه به منافع ملی کشور کمک کند تا در سایه تعاملات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی با کشورهای منطقه، گرایش سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه میادین مشترک کشور و امکان بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته افزایش یابد. بی‌شک این امر در شتاب بخشیدن برای رسیدن ایران به قدرت برتر منطقه، مؤثر خواهد بود.

به‌طور کلی ایران در چهار منطقه دارای میادین مشترک نفت و گاز با کشورهای همسایه است؛ در ادامه به شرح این مناطق پرداخته می‌شود.

منطقه خلیج فارس

در منطقه خلیج فارس، ایران با کشورهای قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و عمان دارای میادین مشترک می‌باشد. در ادامه به شرح این میادین پرداخته می‌شود.

● میدان گازی پارس جنوبی که یکی از بزرگ‌ترین منابع گازی جهان است، بر روی خط مرزی مشترک ایران و قطر در خلیج فارس قرار دارد. ذخیره مربوط به بخش ایران در این میدان، ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز درجا به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود هشت درصد کل ذخایر گازی جهان و نزدیک به ۵۰ درصد ذخایر گازی کشور را شامل می‌شود. کشور ایران برداشت گاز از این میدان مشترک را از سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز کرده است؛ در حالی که در کشور قطر برداشت از این میدان که در این کشور با نام گنبد شمالی شناخته می‌شود، از سال ۱۹۹۰ میلادی شروع شده است. بنا بر آمارهای موجود، میزان

تولید روزانه قطر در پایان سال ۲۰۰۸ میلادی حدود ۳۱۰ میلیون مترمکعب بوده است که این میزان در پایان سال ۲۰۰۹ میلادی به ۴۵۵ میلیون مترمکعب یعنی ۱/۵ برابر بیش‌تر از تولید ایران رسید. همچنین برنامه‌ریزی‌های قطر نشان می‌دهد که این کشور قصد دارد برداشت از میدان پارس جنوبی را تا سال ۲۰۱۲ میلادی به ۲۷۰ میلیارد مترمکعب در سال افزایش دهد [۲]. خوشبختانه در یک سال گذشته پارس جنوبی جان تازه‌ای گرفته و به‌نظر می‌رسد به‌رغم تحریم شرکت‌های خارجی، بهره‌برداری از این پروژه رشد مطلوبی داشته است. هم‌اکنون ۱۰ فاز پارس جنوبی به تولید رسیده که این امر نقش مهمی در اقتصاد انرژی کشور دارد. هر چند در سال‌های اخیر سرعت سرمایه‌گذاری در این میدان کم‌تر از کشور قطر و میزان برداشت رقیب از این میدان مشترک نیز بیش‌تر از ایران بوده است، ولی به‌تازگی با تصمیم وزارت نفت، برای اجرای همه طرح‌های این میدان مشترک، قرارداد هشت فاز باقی‌مانده پارس جنوبی به پیمانکاران داخلی واگذار شد تا در طی ۳۵ ماه، بخش‌های دیگری از بزرگ‌ترین میدان گازی کشور به مرحله تولید برسد. با انعقاد

^۱ armontahae@pedec.net



و امارات متحده عربی (امیرنشین شارجه) به صورت برداشت با سهم مساوی (۵۰-۵۰) بوده است. در حال حاضر ایران اجازه تولید به روش قرارداد امتیازی را از شارجه سلب نموده و این میدان به طور کامل در حاکمیت ایران قرار دارد.

● میدان گازی آرش که ادامه آن با میدان دوره در آب‌های کویت در ارتباط است، یکی دیگر از میادین مشترک ایران در خلیج فارس به حساب می‌آید. این میدان بین ایران، کویت و عربستان مشترک بوده و طی چند سال گذشته نیز به صورت مشترک مورد بهره‌برداری این دو کشور یادشده قرار گرفته است. برداشت دو کشور یاد شده از این میدان در حالی صورت می‌گیرد که در سال ۲۰۰۱ میلادی، کشور کویت مانع از انجام عملیات اکتشاف و حفر چاه در آب‌های این میدان توسط ایران شد و ایران نیز با اعلام اعتراض به کویت، عملیات اکتشاف از این میدان را متوقف کرد. از آن زمان مذاکره درباره این میدان نفتی بین ایران و کویت در حال انجام است که متأسفانه تا کنون نتیجه‌ای در بر نداشته است. بدین ترتیب با وجود

این‌که ایران معتقد است که نیمی از این میدان متعلق به اوست، ولی مقامات کویتی سهم خود را بیش از سهم ایران می‌دانند. ایران سهم خود را از این میدان ۴۲ میلیون بشکه نفت خام و ۶۵/۵ میلیون میعانات گازی تخمین می‌زند [۳].

● میدان هنگام در مرز آبی ایران و عمان در تنگه هرمز قرار دارد و در کشور عمان با نام بخاء غربی شناخته می‌شود. این میدان یکی دیگر از میادین مشترک نفت و گاز کشور در منطقه خلیج فارس است. اخیراً طرح توسعه این میدان مشترک با تولید روزانه ۱۰ هزار بشکه نفت خام به بهره‌برداری رسمی رسید و قرار است تا پایان سال جاری، میزان تولید آن به روزانه ۱۶ هزار بشکه افزایش یابد. میدان هنگام در سال ۱۹۷۵ میلادی



تولید نفت و گاز طبیعی به ترتیب به میزان پنجاه هزار بشکه در روز و پانصد میلیون فوت مکعب در روز در حال اجراست، اما شواهد حاکی از آن است که به دلیل برداشت کشور امارات در این سال‌ها و مهاجرت نفت و گاز به سمت مخزن شریک عربی، سهم ایران از این میدان به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است [۳].

هم‌چنین میدان مبارک نیز که در سال ۱۹۷۲ کشف گردید در این منطقه واقع شده است. این میدان زیر نظر معاونت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران و توسط دولت امارات متحده عربی توسعه داده شد. چگونگی استفاده از میدان مبارک از تاریخ کشف آن براساس موافقت‌نامه امضا شده بین ایران

این کشور، میدان نفتی فروزان با نام میدان مرجان، میدان نفتی اسفندیار با نام میدان لولو و میدان فرزاد B با نام میدان حصه شناخته می‌شوند.

● میادین نفتی نصرت و فرزام نیز با میادین فاتح و فلاح کشور امارات متحده عربی مشترک است. میدان سلمان یکی دیگر از میادین مشترک ایران با این کشور است که در ابوظبی با نام ابوالبخوش معروف است؛ در حالی که ۷۰ درصد مالکیت این میدان در اختیار ایران بوده و امارات تنها از ۳۰ درصد حق برداشت برخوردار است، اما این کشور عربی نزدیک به ۹ سال است که از این میدان برداشت می‌کند. اگر چه طرح توسعه میدان مشترک نفت و گاز سلمان با هدف افزایش

این قرارداد، تکلیف تمامی فازهای پارس جنوبی معین گردید. به گفته مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، با بهره‌برداری از کلیه فازهای پارس جنوبی، درآمد کشور از این میدان مشترک به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود و در صورتی که هشت فاز جدید این میدان به مرحله تولید برسند، کشور ایران در برداشت از این مخزن مشترک با قطر برابر خواهد شد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، به سرانجام رسیدن فازهای پارس جنوبی تأثیر شگرفی بر بخش انرژی کشور دارد که اثرات آن در تمام بخش‌های اقتصادی نمایان می‌شود.

● علاوه بر میدان مشترک پارس جنوبی، میادین فروزان، اسفندیار و فرزاد B نیز با کشور عربستان مشترک هستند. در



معادل ۷۲ درصد از کل ذخایر نفتی کشف شده عراق می‌باشد و در واقع نشان‌دهنده حجم بسیار بالای میدان به مناقصه گذاشته شده و همچنین پتانسیل بالای این کشور برای افزایش ظرفیت تولید نفت در آینده است. در صورتی که عراق بتواند تولید نفت خود را تا سال ۲۰۱۲ به بیش از ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد و ایران برنامه مناسبی برای افزایش ظرفیت تولید به اجرا در نیورد، این کشور بعد از عربستان، دومین تولید کننده اوپک خواهد شد و جایگاه ایران به رتبه سوم تنزل پیدا خواهد کرد [۵].

به نظر می‌رسد همان‌گونه که برای میدان مشترک گازی پارس جنوبی برنامه‌ریزی شده است تا در یک فرصت ۳۵ ماهه، کاری دشوار و سخت به نتیجه برسد، باید برای میدان مشترک نفتی با عراق نیز برنامه‌ریزی مشابهی انجام گیرد. در چنین شرایطی باید برنامه‌ها به گونه‌ای تقویت شوند که بتوان میدان مشترک با عراق را خارج از نوبت توسعه داد. البته این اتفاق برای جذب سرمایه داخلی و خارجی به الگوهای مناسب و نوین نیاز دارد.

کشور مورد ارزیابی‌های اکتشافی قرار نگرفته و انتظار می‌رود با انجام فعالیت‌های اکتشافی مجدد و استفاده از تکنولوژی‌های نوین، حجم ذخایر هیدروکربوری این کشور که در طول ۲۲ سال گذشته (۲۰۰۸-۱۹۸۷) تغییر محسوسی نکرده است، افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. از ابتدای سال ۲۰۰۹ و با تثبیت نسبی دولت مرکزی، وزارت نفت عراق به نمایندگی از دولت، عزم خود را جزم کرده تا با سامان دادن دوباره به فعالیت‌های شرکت‌های دولتی نفت و استفاده از مدیریت، سرمایه و تکنولوژی شرکت‌های خارجی، جایگاه صنعت نفت کشورش را در جهان بهبود بخشد و بدین طریق، وضعیت اقتصادی و سیاسی خود را ارتقاء دهد. در همین راستا تاکنون از طرف وزارت نفت عراق برای توسعه میدان هیدروکربوری، دو مناقصه برنامه‌ریزی و برگزار شده است. در این دو مناقصه، توسعه ۱۶ میدان نفتی با ذخیره‌ای بالغ بر ۸۳ میلیارد بشکه نفت خام و ۴ میدان گازی با ذخیره ۵/۶ تریلیون فوت مکعب به شرکت‌های مختلف واگذار شده است؛ این میزان،

میدان مشترک نفت و گاز با عراق می‌باشند. از میان این میدان‌ها، ایران از پنج میدان نفت‌شهر، پایدار غرب، دهلران، آبان و آزادگان (تولید زود هنگام) برداشت می‌کند و هم‌زمان، توسعه کامل میدان آبان از محل منابع داخلی و صندوق انرژی، توسعه میدان آزادگان توسط شرکت CNPC چین و توسعه میدان یادآوران توسط شرکت سینیوپک چین را در حال اجرا دارد. برای توسعه میدان آذر نیز تفاهم‌نامه‌ای با شرکت‌های گازپروم روسیه و پتروناس مالزی منعقد کرده که مذاکرات آن به‌زودی نهایی خواهد شد. البته بر اساس دستور مستقیم مقام عالی وزارت، طرح توسعه کامل این میدان به هیچ وجه معطل سرمایه‌گذار خارجی نمانده و در صورت تأخیر مذاکرات، بلافاصله از محل منابع داخلی اجرا می‌گردد. شایان ذکر است که طرح تولید زود هنگام میدان آذر به‌زودی آغاز خواهد شد. کشور عراق چهارمین دارنده ذخایر نفتی جهان است. این در حالی است که تاکنون بخش زیادی از این

با حفر یک حلقه چاه در آب‌های ایران کشف گردید. در سال ۲۰۰۶ میلادی با حفر دومین چاه و انجام مطالعات مخزن مشخص شد که میدان یاد شده دارای نفت فرار با درجه API حدود ۴۲ و میزان نفت در جای بیش از ۷۰۰ میلیون بشکه و گاز در جای حدود دو تریلیون فوت مکعب است. بر اساس مطالعات انجام شده، ۸۰ درصد از میدان هنگام در آب‌های ایران و ۲۰ درصد در آب‌های عمان قرار دارد. لازم به ذکر است که برای توسعه مشترک این میدان، مذاکرات ۱۳ ساله‌ای بین دو کشور وجود داشته که تاکنون به دلایل مختلف به نتیجه نرسیده است. در این باره مسایلی شامل چگونگی تولید، سهم طرفین از میدان، همچنین مسایل حقوقی به‌منظور توسعه میدان با مشارکت خارجی‌ها مطرح بوده است [۴].

با توجه به این‌که در منطقه خلیج فارس، کشورهای همسایه از مدت‌ها پیش بهره‌برداری از میدان‌های مشترک را آغاز کرده‌اند، به نظر می‌رسد ایران نیز باید در راستای رقابت با شرکای شیخ‌نشین خود به توسعه این میدان شتاب بیشتری دهد. در این میان کاهش درآمد حاصل از برداشت حداکثری کشورهای همسایه موضوعی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

◆ منطقه مرزی مشترک با عراق

طبق آخرین اکتشافات صورت گرفته در مناطق مرزی خشکی غرب کشور، ایران دارای ۱۵ میدان نفتی مشترک در این منطقه است که همگی در مرز مشترک با کشور عراق قرار دارند. میدان نفت‌شهر با نفت‌خانه، پایدار غرب با جبل فوقی (فکه)، دهلران با ابوغریب، آبان با ابوغریب جنوبی، آذر با بدر، آزادگان با مجنون و یادآوران با نحر بن عمر مشترک هستند؛ همچنین میدان اکتشافی جدید اروند، یاران، مهر، سهراب، شلمچه، سومار، آبادان و خرمشهر نیز مهم‌ترین





مربوط به حوزه‌های مشترک نفت و گاز نیز باید در اولویت سیاست خارجی کشور قرار گیرد تا در سایه تعاملات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی با کشورهای منطقه، گرایش سرمایه‌گذاران خارجی برای توسعه میادین مشترک کشور و امکان بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته افزایش یابد. این امر بی‌شک در شتاب بخشیدن برای رسیدن ایران به قدرت برتر منطقه مؤثر خواهد بود.

از جمله راهبردهای توسعه و تولید حداکثری از میادین مشترک و پیشرفت در جهت رسیدن به اهداف کلان حوزه نفت، استفاده از الگوهای مناسب و نوین برای جذب سرمایه خارجی، اولویت تخصیص منابع داخلی به بهره‌برداری از میادین مشترک، اولویت برنامه اکتشاف در مناطق مرزی اعم از خشکی و دریایی، توسعه و گسترش همکاری‌های دو جانبه و تعامل با کشورهای هم‌جوار در خصوص بهره‌برداری مشترک از میادین مشترک با رعایت کامل منافع کشور، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوین برای افزایش تولید، توجه به مدل‌های قراردادی و سرعت بخشیدن به برنامه‌های اجرایی توسعه‌ای میادین مشترک با به‌کارگیری توان متخصصان و سازندگان داخلی می‌باشد.

◆ منابع

- [۱] احمد قلعه‌بانی، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، نخستین کنفرانس مدیریت و بهینه‌سازی انرژی، مرداد ماه ۱۳۸۹.
- [۲] غفلت نکتمی از این ثروت مشترک، روزنامه جام جم، ۴ خرداد ۱۳۸۹.
- [۳] وضعیت میادین نفتی و گازی ایران به روایت آمار، روزنامه ابتکار، شماره ۱۳۶۴، ۲۳ آذر ۱۳۸۷.
- [۴] خبرگزاری ایسنا، ۶ شهریور ۱۳۸۹.
- [۵] علی خواجوی، دورنمای توسعه میادین نفت و گاز عراق، ماهنامه فنی و تخصصی اکتشاف و تولید، شماره ۶۹، تیر ۱۳۸۹.

نفت متعلق به ایران نیز کاهش چشمگیری خواهد داشت. نکته بعد، استفاده از فن‌آوری مناسب برای استخراج و تولید این ذخایر با ضریب بازیافت بالاست.

◆ منطقه شرق کشور

مهم‌ترین میدان مشترک شرق کشور، میدان گازی گنبدلی است. شریک ایران در این میدان، کشور ترکمنستان می‌باشد. حجم گاز درجای این میدان، ۱۳/۲۵ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود. تولید از این میدان در سال ۱۳۶۴ آغاز شد. تولید اولیه میدان یاد شده، ۵ میلیون متر مکعب در روز بود. هم‌اکنون با بهره‌برداری از سه چاه و افت طبیعی فشار مخزن، تولید آن به روزانه یک میلیون متر مکعب کاهش یافته است. لازم به ذکر است که وزارت نفت، اجرای عملیات زمین‌شناسی و لرزه‌نگاری را در بخش گسترده‌ای از نواحی مرزی شمال شرق کشور در دست اجرا دارد که با اتمام مطالعات، برداشت و تعبیر و تفسیر داده‌های ثبت شده، احتمال کشف میادین جدید در این منطقه وجود دارد.

◆ نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد میادین مشترک هیدروکربوری ایران، حجم قابل توجهی از ذخایر قابل استحصال نفت و گاز را در خود جای داده‌اند. با توجه به برنامه‌های در پیش گرفته شده توسط کشورهای همسایه برای برداشت هر چه سریع‌تر از این ذخایر، ضروری است اهداف و برنامه‌های وزارت نفت برای توسعه میادین مشترک نفت و گاز با شتاب و جدیت بیشتری به مرحله اجرا درآید. مطمئناً اجرای این برنامه‌ها تأثیر شگرفی بر بخش انرژی کشور خواهد داشت که اثرات آن در تمام بخش‌های اقتصادی نمایان خواهد شد. در کنار تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نفت، مسایل

۵۰۰ متری زیر سطح دریا واقع بوده و مهم‌ترین میدان مشترک ایران در دریای خزر است. شریک ایران در این میدان، کشور آذربایجان می‌باشد. بعد از آن، بلوک چالوس در عمق ۸۰۰ متری دریا دارای نفت درجای ۳ میلیارد بشکه‌ای است.

کشورهای ساحلی این دریا از سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۹۰ میلادی، عملیات اکتشاف و ساخت صنایع استخراجی را آغاز کرده‌اند و این روند باعث شده است که در حال حاضر دریای خزر، ۴ درصد نفت مورد نیاز بازارهای جهانی را تأمین کند.

روسیه به عنوان مطرح‌ترین این کشورها، توانسته است طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ میلادی، در آب‌های منطقه‌ای خود، ۵ میدان نفتی و گازی کشف کند. میدان کورچاگین نیز میدانی است که این کشور اولین محموله نفتی آن را چندی پیش استخراج کرد. این موفقیت‌ها باعث شده است که روسیه برای ۵ سال آینده، رقمی در حدود ۱۲ میلیارد دلار سرمایه اولیه در این حوزه پیش‌بینی کند. این در حالی است که نخستین اکتشافات ایران در دریای خزر در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی در قالب همکاری مشترک با یک شرکت انگلیسی و شرکت شل انجام شد. این اقدام پس از هزینه ۲۰ میلیون دلاری در مرحله لرزه‌نگاری، متوقف ماند. سرانجام سال گذشته ساخت سکوی نیمه شناور البرز با همکاری مستقیم شرکت صدرا و همراهی یک شرکت چینی پایان یافت و حرکت آن به سمت بندر نکا برای حفر نخستین چاه در فاصله ۴ کیلومتری ساحل و عمق هزار متری آغاز شد، ولی هنوز به مرحله تولید نرسیده است [۲].

درباره ذخایر دریای خزر، اولین نکته تعیین رژیم حقوقی این دریا و حل اختلاف نظر بر سر مالکیت میادین است. اگر در رژیم حقوقی دریای خزر سهم ایران کاهش یابد،

◆ منطقه دریای خزر

دریای خزر بین کشورهای ایران، آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان واقع شده و بزرگ‌ترین دریاچه جهان به‌شمار می‌آید. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون، مراجع مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی آمارهای مختلفی برای میزان ذخایر نفت این دریا منتشر کرده‌اند. بیش‌ترین میزان گزارش شده مربوط به سال‌های اول دهه ۱۹۹۰ می‌باشد که مجموع ذخایر را تا ۲۲۰ میلیارد بشکه نیز تخمین زده است. این گزارش‌ها در طول دهه ۱۹۹۰، شرکت‌های مهم بین‌المللی را برای سرمایه‌گذاری در استخراج و انتقال نفت منطقه به رقابت واداشت. حضور این شرکت‌ها با حمایت قدرت‌های بزرگ همراه بوده و موجب سیاسی شدن طرح‌های انرژی منطقه گردید. مطالعات و تحقیقات گسترده بعدی، خوش‌بینانه بودن تخمین ذخایر را ثابت کرد و میزان آن را حتی تا ۱۵ میلیارد بشکه کاهش داد. از این‌رو به تدریج، انگیزه شرکت‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری و تداوم فعالیت در طرح‌های انرژی این منطقه کاهش یافت. بیش‌ترین اختلاف نظر در مورد ذخایر این دریا مربوط به منطقه جنوبی است که دلیل آن، عمق زیاد و سختی مطالعه و تحقیق در این ناحیه می‌باشد.

در حال حاضر بر اساس گزارش ترازنامه انرژی وزارت نیرو، ذخایر نفت درجای احتمالی در جنوب دریای خزر، ۳۲ میلیارد و ۸۵۰ میلیون بشکه می‌باشد و احتمال وجود نفت و گاز نیز حداقل در ۸ بلوک وجود دارد. از این تعداد بلوک، به‌جز یک مورد بقیه در اعماق ۴۰۰ تا ۸۰۰ متری قرار دارند. انجام حفاری اکتشافی در این بلوک‌ها به دکل نیمه شناور نیاز دارد. بلوک نفتی البرز با نفت درجای ۲۰ میلیارد بشکه در عمق